

وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه‌ای

سعیده لطفیان^۱

گسترش تسلیحات اتمی، بیولوژیکی و شیمیایی (به عبارتی تسلیحات انهدام جمعی) به عنوان چالشی برای عموم پژوهشگران و سیاست‌گزارانی تصور می‌شود که در تلاشند تا راه‌های قابل اجرایی را برای حل مشکل بی‌ثباتی منطقه‌ای در دوران پس از جنگ سرد بیابند. بدون تردید، اگر هیچ ملتی توانایی ساخت و به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای را نداشت دنیای ما مکان امن‌تری می‌بود. لکن در حال حاضر هیچ راهی بجز تحمل زندگی با این‌گونه تسلیحات، و در عین حال برانگیختن و تشویق ممالک دارای توانایی نظامی هسته‌ای به‌دست کشیدن از شیفتگی خود به چنین قدرت تباه‌سازنده‌ای را در پیش روی نداریم. به دلیل موقعیت مهم ژئواستراتژیک و منابع وسیع، قزاقستان به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه آسیای مرکزی در نظر گرفته می‌شود. براین اساس، موقعیت اتمی یا غیراتمی بودن این کشور امنیت سایر ملل را در منطقه و حتی فراسوی آن تحت تأثیر قرار می‌دهد. پرسش عمده‌ای که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که چگونه و تا چه حد غیراتمی شدن قزاقستان بر ساختار امنیت منطقه‌ای اثر می‌گذارد.

این مقاله به دو بخش کلی تقسیم می‌شود. در نخستین قسمت، توانایی اتمی این کشور در گذشته و نیز سیاست فعلی عدم گسترش هسته‌ای آن مورد بحث قرار می‌گیرد. دلایلی که نشان می‌دهند دولت آلماتا در صدد اجرای سیاست دفاعی ضدهسته‌ای می‌باشد، عبارت‌اند از: عضویت این کشور در سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، تمایلش به امضای قرارداد منع گسترش تسلیحات اتمی، انعقاد قراردادی در سال ۱۹۹۳ با دولت آمریکا برای انتقال حدود ۶۰۰ کیلوگرم مواد قابل تبدیل به سلاح‌های هسته‌ای از مرکز استخراج و آماده‌سازی فلزات آلبا در «اُست گامنوگورسک»^۲ به تأسیسات «وای ۱۲»^۳ در اوکریچ تنسی (در پروژه یاقوت)^۴، و برنامه‌هایش

۱. دکتر سعیده لطفیان عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و عضو هیأت تحریریه فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

2. USt-Kamenogorsk

3. Y-12

4. Sapphira Project

برای نابودسازی کامل سلاحهای اتمی تاکتیکی و استراتژیکی شوروی سابق که در قلمرویش برجای مانده بودند. پس از استقلال، این کشور آسیای مرکزی خود را مالک ۱۰۴ موشک بالستیکی قاره‌پیمای مجهز به حدود ۱۲۰۰ کلاهک هسته‌ای، و ۴۰ هواپیمای بمب‌افکن سنگین از نوع تی‌یو-۱۹۵^۱ مجهز به ۳۲۰ موشک کروز یافت؛ ۵۰ فروند از این موشکهای بالستیکی قاره‌پیمای اس‌اس - ۱۸^۲ که هر یک قادر به حمل ده کلاهک اتمی‌اند، در ایمنی گاستلو^۳، و ۵۰ فروند دیگر در جنگیزتوبا^۴ مستقر شده، و تحت کنترل عملیاتی نیروهای روسیه بودند.^۵ جامعه بین‌المللی اخیراً آگاهی یافت که قزاقستان به کشوری عاری از تسلیحات هسته‌ای مبدل شده است. در اینجا نشان داده می‌شود چگونه و به چه عللی قزاقستان قادر بود که در زمینه محدودسازی تسلیحات اتمی در دوره زمانی کوتاهی پیشرفت قابل توجهی نماید.

در بخش پایانی مقاله، نظر خوش‌بینانه‌ای از روند بلندمدت همکاری‌های منطقه‌ای ارائه می‌شود. تصویر کلی که ترسیم می‌شود کاملاً با پیشگویی‌های ناشی از بدبینی در مطالعاتی که تأکید بر محیط امنیتی روبه وخامت گذارنده‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز می‌کنند، تفاوت دارد. این تجزیه و تحلیل‌های بدبینانه عموماً بر پایه وجود مرزهای مورد اختلاف قومی بین جمهوری‌های شوروی سابق قرار گرفته‌اند. فرض بر این است که اینگونه منازعه‌ها می‌توانند منشاء درگیری‌های مسلحانه بین - کشوری بوده و سراسر منطقه را بی‌ثبات سازند. این بخش نهایی به بحثی پیرامون مناسب بودن اقدامهای جلب اعتماد و اطمینان متقابل (به‌طور مثال ایجاد منطقه عاری از تسلیحات اتمی در آسیای مرکزی و جنوب غربی، و روشهای همکاری در مدیریت اختلاف) به‌منظور از بین برداشتن تهدیدهای امنیتی اختصاص داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وضع اتمی موجود در قزاقستان و در جهان

به نظر من، سه راه حل عمده برای مقابله با مشکل اتمی بودن جهان وجود دارد که

عبارت‌اند از:

الف) پذیرش این فرض که اتمی شدن کشورهای مستقل غیرقابل انکار است، و تنها

1. Tu-95 M

2. SS-19

3. Imen Gastello

4. Zhangiz Toba

5. Andrai Kortunov and atal. «View from Russia: Military Structures in Kazakhstan, *Comparative Strategy*. 14 (1995): 301-9; and the Camegi Endowment for International Peace and the Montarey Institute of International Studies. *Nuclear Successor States of the Soviet Union*. Washington, DC: the CEIP and the MLLS. December 1994.

می‌توانیم برای ایجاد یک رژیم بازدارندگی چندقطبی پایدار تلاش نماییم. در این صورت، با جهانی اتمی روبه‌رو خواهیم بود که در آن امنیت ملی بر پای اصل «توازن وحشت منطقه‌ای»^۱ استوار خواهد بود. در عمل، با گسترش افقی^۲ (افزایش در تعداد کشورهای اتمی جدید) و گسترش عمودی^۳ (افزایش کیفی و کمی تسلیحات در زرادخانه‌های کشورهای اتمی فعلی) مواجه می‌شویم.

ب) تضمین امنیت دولتهایی که ممکن است به فکر بیفتند تا برای حفظ امنیت خود به توانایی نظامی هسته‌ای دستیابی پیدا کنند. در این حالت، جهان بین قدرتهای بزرگ اتمی و قدرتهای کوچک غیراتمی تقسیم می‌شود که در آن امنیت ملی کشورهای دارای توانایی هسته‌ای بر پایهٔ توازن وحشت ایجاد شده بین آنها و رقبایشان تأمین می‌شود. در حالی که دولتهای فاقد چنین توانایی‌هایی باید متکی به تضمین اتمی قدرتهای عضو باشگاه اتمی باشند. در نتیجه، شاهد گسترش انتخابی^۴ خواهیم بود.

ج) تلاشی همه‌جانبه و جدی برای نابودی کامل تمام تسلیحات اتمی موجود در زرادخانه‌های قدرتهای هسته‌ای، و تقویت رژیم عدم گسترش^۵ به‌انجام رسد. در این صورت، شاهد پیدایش جهانی غیراتمی خواهیم بود که در آن امنیت ملی بر تسلیحات هسته‌ای استوار نبوده، و دولتها در صدد برقراری روابط نزدیکتر اقتصادی و سیاسی با رقبای خود برمی‌آیند.

در مورد وضعیت اتمی قزاقستان نیز سه سناریوی مختلف مطرح شده بودند: اول آنکه دولت آلماتا تصمیم می‌گرفت تا اینگونه سلاحهای هسته‌ای و ابزار پرتاب آنها را تحت نظارت کامل خود بگیرد، و مانع از بازگشت آنها به روسیه و یا انهدامشان گردد. بدین ترتیب، نه تنها کشور اتمی در آسیای مرکزی (و شاید بعد از پاکستان به دومین ملت دارای توانایی هسته‌ای در جهان اسلام) تبدیل می‌شد. فرض بر این بود که امنیت ملی این کشور با در اختیار داشتن چنین قدرتی افزایش می‌یافت. این نظریه در مورد تمام کشورها توسط کنت والتز مطرح می‌شود که هرچه تعداد ممالک اتمی بیشتر باشد، بهتر است زیرا قدرتهای هسته‌ای جدید از توانایی خود برای بازدارندگی حمله دشمنانشان استفاده می‌کنند. بنابراین احتمال بروز جنگ و درگیری کمتر خواهد شد.^۶ نکتهٔ مهم در این سناریو آن است که وجود کشوری اتمی در این منطقه احتمالاً با

1. Regional Balance of Terror

2. Horizontal Proliferation

3. Vertical Proliferation

4. Selective Proliferation

5. Non-Proliferation Regime

۶. برای توضیحات بیشتر پیرامون نظریه والتز، ر.ک. به:

منافع و اهداف امنیت ملی ممالک همسایه و جامعه بین‌المللی مغایرت خواهد داشت. بدین دلیل که احتمال وقوع درگیری هسته‌ای، تهدید و باجگیری هسته‌ای، و انتقال مواد، تکنولوژی یا تسلیحات اتمی به دولتهای غیراتمی و حتی گروههای زیرملی درگیر با دولتها بیشتر خواهد شد.^۱ این نظریهٔ افرادی مانند اسکان‌سیگان است که معتقدند هرچه تعداد قدرتهای اتمی بیشتر باشد، دنیا ناامن‌تر و بی‌ثبات‌تر خواهد شد زیرا قدرتهای جدید در جنگهای پیشگیرانه شرکت کرده، قادر به توسعه و حفظ نیروهای اتمی قابل‌اطمینان نبوده، و یا دچار سوانح و تصادفهای اتمی جدی خواهند شد.^۲ قزاقستان نیز در موقعیتی قرار نگرفته که بتواند به‌طور مستقل از عهدهٔ نظارت کامل بر زیرساختارها و تشکیلات لازم جهت حفاظت، نگهداری، و کاربرد موشکهای هسته‌ای در جنگ برآید. گذشته از آن، هیچ ضمانتی وجود نداشت که با عضویت در باشگاه اتمی قزاقستان بتواند به مشکلات امنیتی خود خاتمه دهد. بسیاری از مشکلات این کشور ریشه‌های عمیق داخلی و یا اقتصادی دارند، و به هیچ‌وجه قابل حل با توسل به زور و اتکای به توانایی نظامی هسته‌ای نمی‌باشند. در واقع، مشکلات امنیتی جدیدی برای قزاقها به وجود می‌آید زیرا سایر ممالک (بخصوص قدرتهای بزرگ مانند آمریکا، روسیه، چین و نیز سایر کشورهای همجوار آنها) بیشتر احتمال داشت قزاقستان اتمی را رقیب و دشمن احتمالی خود تلقی کنند، ولی آمادهٔ همکاری و حفظ روابط نزدیک اقتصادی - سیاسی با قزاقستانی غیراتمی و صلح طلب باشند. نباید از این واقعیت چشم پوشید که قلمروی قزاقستان (در صورت اتمی بودن) هدفی برای موشکهای هسته‌ای دورپیمای ناتو، روسیه و چین به‌شمار می‌آید. با توجه به احساسات ضداتمی غالب در سطح جهانی، در کوتاه‌مدت هم که شده قزاقستان اتمی

Kenneth Waltz. «More May Be Better», in Scott Sagan and Kenneth Waltz. *The Spread of Nuclear Weapons*. New York: W.W.Norton, 1995: 1-46.

۱. برای توضیحاتی در مورد نگرانی‌های غرب از عدم کارایی و ضعف رویه‌های فنی و سازمانی به کار گرفته شده برای نظارت بر مواد اتمی در روسیه، قزاقستان، بیلوروسی و اوکراین، ر.ک.به:

Olag Bukharin, «Nuclear Safeguards and Security in the Former Soviet Union», *Survival*, 36.4, Winter (1994-1995): 53-72; and Richard Cupitt and Brad Roberts. «Report on the Mission to the Commonwealth of Independent States», in *Research Project: Nuclear Proliferation and World Order*. Leiden. Netherlands University of Laiden & Netherlands Atlantic Commission, May 1995: 17-21.

۲. برای توضیحات بیشتر ر.ک.به:

Scott Sagan «More Will Be Worse», in Scott Sagan and Kenneth Waltz. *The Spread*, *op.cit.*, 47-93.

در معرض تهدید تحریمهای اقتصادی قرار گرفت. در شرایط فعلی که دسترسی به منابع مالی، اعتباری و سرمایه‌ای برای نیل به اهداف توسعه اقتصادی قزاقستان حیاتی است، هرگونه تحریم آسیبهای جبران‌ناپذیری را به امنیت اقتصادی قزاق وارد می‌آورد. نکته مهم دیگر این است که با توجه به منافع امنیت ملی روسیه که ایجاد می‌کند تا این جمهوری قدرت انحصار اتمی در منطقه داشته باشد، و حساسیتی که مسکو نسبت به استقرار و کنترل یکجانبه تسلیحات هسته‌ای در سایر جمهوری‌ها از خود نشان داده است، مخالفت قزاقستان با انتقال موشکهای اس اس - ۱۸ و بمب‌افکنهای سنگین از نوع خرس - اچ^۱ به روسیه تأثیر منفی بر روابط بین دو کشور می‌گذارد. غیرقابل تصور نیست که این اختلافها اوج نگرفته و به خشونت‌های قومی گسترده روس - قزاق مبدل نمی‌گردید.

سناریوی دوم این بود که تسلیحات هسته‌ای مستقر در قلمروی این کشور تحت نظارت و فرماندهی مشترک مرکز فرماندهی نیروهای استراتژیک دفاعی^۲ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع قرار می‌گرفت، و چنانچه این نهاد سیاسی - نظامی منحل می‌شد، طبق قراردادی زرادخانه اتمی قزاقستان به‌طور مشترک توسط دولتهای روس و قزاق کنترل می‌شد. طبق ماده چهارم قرارداد «اقدامات مشترک برای کاربرد تسلیحات هسته‌ای» که در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ در آلماتا مطرح گردید و تا زمانی که سلاحهای اتمی در جمهوری‌های قزاقستان، بیلوروس، اوکراین کاملاً منهدم نشده‌اند، و یا به روسیه منتقل نشده‌اند، رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه تصمیم می‌گیرد که آیا استفاده از این سلاحها ضروریست و یا نه. قرار بود که این تصمیم بر طبق رویه‌ای گرفته شود که به‌طور مشترک توسط سران کشورهای امضاکننده این قرارداد تعیین شده بود. گروهی از متفکرین و تصمیم‌گیران قزاقی، از جمله مدیر مرکز مطالعات استراتژیک قزاقستان عمرسریک کازنف^۳ و کیرات آبوستیف^۴، رئیس برنامه سیاست خارجی و امنیت ملی در این مرکز، معتقد بودند که برای این کشور ضروریست موقعیت ژئوپلتیک، و بخصوص وجود چین (به‌عنوان قدرتی اتمی) در همجواریش را در نظر بیاورد. به‌علاوه، باید احتمال روی کار آمدن گروههای خواهان تشکیل امپراتوری جدید را در روسیه به باد فراموشی بسپارد. در این زمان بود که وزیر امور خارجه قزاقستان توتوتایی سلیمانف^۵ بیان داشت که تنها در صورتی قزاقستان با پروتکل لیسبون^۶ و استارت^۷ موافقت می‌کند، و به‌عنوان کشوری غیراتمی به معاهده منع

1. Bear H

3. Oumirserik Kasenov

5. Tuteutai Suleymenov

2. Strategic Defense Forces

4. Kairat Abuseitov

6. Lisbon Protocol

گسترش سلاحهای اتمی ملحق می‌شود که امنیت ملی آنها تضمین شده باشد.^۸ باید توجه داشته باشیم که حتی قبل از به استقلال رسیدن در دسامبر ۱۹۹۱ سه جمهوری اتمی قزاقستان، اوکراین، و بیلوروس خواهان کنترل مشترک تسلیحات اتمی بوده، و جمهوری‌های غیر اتمی نگران نظارت کامل روسیه بر زرادخانه‌های اتمی شوروی بودند. گرچه بوریس یلتسین موافقت نمود که بدون تصویب سران این سه دولت سلاحهای هسته‌ای استراتژیک مورد استفاده قرار نگیرند، لکن رئیس‌جمهور اوکراین کراوچک^۹ تمایل داشت که بر این تسلیحات نظارت کامل داشته باشد تا از عدم کاربرد آن اطمینان حاصل نماید. در کنفرانس ۱۹۹۱ آلماتا با درخواست این سه کشور برای مشارکت در نظارت بر تسلیحات اتمی مستقر در قلمرویشان موافقت شد.^{۱۰} در این سناریو لازم بود که سیستم کنترل تسلیحات به گونه‌ای طرح‌ریزی شده باشد که سران ممالک روسیه و آنهایی که میزبان سلاحهای اتمی هستند بتوانند مانع از پرتاب کلاهکهای هسته‌ای گردند. بر این اساس، قزاقستان در موقعیتی قرار می‌گرفت که قادر بود تا حدی از وقوع جنگ هسته‌ای تصادفی و یا جنگ هسته‌ای ناخواسته جلوگیری نماید. بنابراین، رئیس‌جمهور قزاقستان می‌توانست مانع از کاربرد موشکهای اس.اس-۱۸ مستقر در خاک کشورش گردد، ولی بدون موافقت و همکاری رئیس‌جمهور روسیه قادر نبود که دستور پرتاب آنها را صادر کند. اگرچه این سلاحهای اتمی تحت نظارت مشترک قرار گرفتند ولی تا زمانی که در محدوده قلمروی قزاق استقرار داشتند، همیشه این امکان وجود داشت که در آینده سیاستمداران قزاقی تصمیم بگیرند تا کنترل کامل آنها را برعهده گیرند. این احتمال هنوز هم موجب نگرانی است، زیرا هنوز تمام جمهوری‌های اتمی کاملاً عاری از اینگونه تسلیحات نشده‌اند. از آنجایی که معاهده استارت در ۲ ژوئیه ۱۹۹۲ به تصویب رسید، مهلت داده شده به قزاقستان برای انجام تعهدهایش در زمینه غیر اتمی شدن تا سال ۱۹۹۹ ادامه خواهد داشت. با این وجود، دولت

7. START

۸. ر.ک. به:

Phillip Petersen. «Control of Nuclear Weapons in the CIS»; *Jene's Intelligence Review*. 5,7 (1993): 300.

9. Kravchuk

۱۰. در قلمروی اوکراین، نیروهای اتمی توسط سربازان اوکراینی و افسران روسی و اوکراینی پاسداری می‌شدند، در قلمروی قزاقستان پرسنل نظامی روسی و قزاقی بر این تسلیحات نظارت داشتند. حدود بکهار نظامی روسی به کار نگهداری از موشکهای اتمی و پایگاه فضایی بیکونور Baikonur در قزاقستان مشغول بوده‌اند. ر.ک. به:

Oumirseric Kasenov and Kairat Abuseitov. *The Future of Nuclear Weapons in the Kazakh Republic national Security System*. Mclean, Virginia: The Potomac Center, 1992; and «Factile: Russian Troop Presence and Recent Withdrawals», *Arms Control Today*, October (1994): 25.

آلماتا در آوریل ۱۹۹۵ وضعیت غیراتمی بودن قزاقستان را رسماً به سازمان ملل متحد اعلام نمود. در معاهده استارت به این مسئله اشاره شده بود که دولتهای امضاکننده آن می‌توانند منافع امنیت خود را در اجرای تعهدات ناشی از این قرارداد در نظر بگیرند. به دلایل سیاسی - اقتصادی گوناگون (مانند بروز بحران و جنگ در روسیه و یا سایر کشورهای همسایه، و درگیری‌های گسترده داخلی در جمهوری‌های شوروی سابق و یا تغییر اساسی در دولت قزاق، سیاستهای ضداتمی فعلی آلماتا قابل تغییر خواهند بود.

سناریوی سوم بر این فرض استوار شده بود که تمام تسلیحات هسته‌ای و وسایل پرتاب و کاربرد آنها در نبرد از خاک قزاقستان خارج شده، و یا منهدم گردند تا این کشور به منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای مبدل شود. نکته اصلی این است که منافع امنیت ملی قزاقها با غیراتمی شدن تأمین می‌شود. البته با این شرط که قدرتهای بزرگ اتمی (بویژه روسیه، چین و آمریکا) تضمین کنند امنیت قزاق مورد مخاطره قرار نخواهد گرفت، و قلمروی این کشور مورد حمله اتمی واقع نخواهد شد. برخی تصور می‌کنند که با انتقال این جنگ‌افزارها به روسیه امنیت آسیای مرکزی افزایش می‌یابد. در واقع انتقال کلیه سلاحهای اتمی از قلمروی سه جمهوری قزاقستان، اوکراین و بیلوروس به فدراسیون روسیه باعث می‌شود که بجای اینکه سراسر قلمروی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به عنوان هدف احتمالی حمله اول و یا تلافی جویانه دشمنان احتمالی در نظر گرفته شود، تنها خاک روسیه به عنوان چنین هدفی مشخص گردد. برخی دیگر به جنبه‌های منفی غیراتمی شدن این سه جمهوری نگریسته، و بحث می‌کنند که مشارکت این جمهوری‌ها در نیروهای استراتژیک دفاعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۱ به‌طور غیررسمی بی‌اهمیت خواهد شد زیرا تسلیحات هسته‌ای و ابزار پرتاب آنها که در قلمروشان قرار داشته، اساس این نیروها را تشکیل می‌دهند. چنانچه این سلاحهای استراتژیک در قلمروی روسیه متمرکز گردند، مناسب‌تر خواهد بود که از «نیروهای استراتژیک دفاعی روسیه» بجای «نیروهای استراتژیک دفاعی کشورهای CIS» یاد کنیم. باور بر این بود که انتقال اینگونه تسلیحات به قلمروی روسیه می‌تواند به همکاری استراتژیک نظامی بین کشورهای عضو CIS آسیب وارد آورد. از سوی دیگر، قدرت اتمی روسیه به صورت انحصاری در منطقه به‌ثبت می‌رسد، و سایر شرکت‌کنندگان در این نهاد کاملاً بدون دفاع و وابسته به روسیه برای امنیت ملی

۱. کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ بیانیه آلماتا Ama Ata Declaration را به امضا رساندند و بر طبق آن در مورد فرماندهی مشترک نیروهای استراتژیک نظامی و نظارت واحد بر تسلیحات هسته‌ای به توافق رسیدند.

خود خواهند گردید. در شرایط پیدایش بحرانهای اقتصادی و یا بی‌ثباتی سیاسی ممکن است گروه‌های بانفوذی در روسیه روی کار آیند که در صدد تشکیل مجدد امپراتوری شوروی برآیند. قزاقستان با غیراتمی شدن خود را در موقعیت ضعیف و آسیب‌پذیری قرار می‌دهد، و احتمالاً مورد باجگیری هسته‌ای و حتی حمله اتمی روسیه (گرچه در حال حاضر خیلی غیرمحمتمل به نظر می‌آید) واقع خواهد شد.

به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه، قزاقها نمی‌توانند وجود زرادخانه‌های هسته‌ای جمهوری خلق چین و روسیه - همسایگان قدرتمند - خود را فراموش کنند. برای مقابله با این مشکل، آلماتا ۳ راه چاره به کار برد: اولاً، در آوریل ۱۹۹۴ با چین قراردادی مرزی منعقد ساخت. نخست‌وزیر چین لی پنگ^۱ اولین رهبر عالی‌رتبه چینی بود که به آسیای مرکزی و قزاقستان سفر کرد و اعلام داشت مرز مشترک ۱۷۰۰ کیلومتری چین - قزاقستان به یک «مرز صلح»^۲ تبدیل شده، و تمام محدودیتهای مربوط به ترابری در نقاط تماس بین - مرزی (که البته قبل از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۸۹ پس از گذشت سی سال اختلاف مرزی بین شوروی و چین گشوده شده بودند) از میان برداشته می‌شوند. این تفاهم مرزی از آنجایی دارای اهمیت است که طی مذاکرات مسائل حساسی مانند آزمایشهای هسته‌ای چین در منطقه دریاچه لاپ‌نور در نزدیکی قلمروی قزاقستان نیز مطرح شده بودند.^۳ ثانیاً، جلب موافقت دولت آمریکا برای تضمین امنیتی دال بر اینکه قزاقستان به عنوان کشوری غیراتمی مورد تهدید حمله خارجی واقع نمی‌شود. در ملاقات سران دول دو کشور در سال ۱۹۹۲، مسئله توانایی اتمی و سیاستهای دولت قزاقستان در این خصوص مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. نتیجه این مذاکرات، به صورت بیانیه‌ای که از سوی رئیس‌جمهور نورسلطان نظربایف^۴ ارائه گردید، به اطلاع عموم رسید. وی تصمیم جمهوری قزاقستان را در مورد الحاق به معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی به عنوان کشوری فاقد توانایی نظامی اتمی، و نیز رعایت تمام شروط معاهده استارت روشن ساخت.^۵ ثالثاً، در اکتبر ۱۹۹۴ قزاقستان معاهده‌ای را در زمینه همکاری نظامی با روسیه به تصویب رسانید، که در واقع پایه قراردادی دوجانبه برای کاربرد مشترک نیروهای نظامی جهت حفظ امنیت در منطقه

1. Lipeng

2. Border of Peace

3. «Kazakhstan Signs Pact with China», *International Herald Tribune*, 27 April 1994, p.2.

4. Nursultan Nazarbayev

5. «U.S. and Kazakhstan Reach Nuclear Accord», *International Herald Tribune*, 12 May 1992, p.2: and «Nuclear Pact is Approved in Kazakhstan», *International Herald Tribune*, 14 December 1993, p.7.

بحر خزر می‌باشد. دو کشور همچنین قراردادهایی را در مورد مکان پرتاب فضایی در بیکونور^۱، و در زمینه همکاری در پاسداری از مرزهای خارجی CIS منعقد ساختند.^۲ برخی از صاحب‌نظران تأکید می‌کنند که یکی از اهداف امنیت ملی قزاقستان در حال حاضر تقویت روابط نظامی اش با روسیه، و با همسایگانش در آسیای مرکزی است. در فوریه ۱۹۹۴، با ازبکستان و قرقیزستان معاهده دفاعی منعقد ساخت. هدف دیگرش تقویت فرماندهی مشترک CIS، و تشکیل یک اتحادیه اروپا - آسیایی^۳ است که وظیفه هماهنگی سیاستهای سیاسی و اقتصادی را برعهده گیرد.^۴

برای غیراتمی شدن قزاقستان، تضمین سه کشور روسیه، چین و آمریکا کافی به نظر می‌آید. در نتیجه، این کشور در ۲۶ ژوئیه ۱۹۹۴، «قرارداد نظارت»^۵ با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منعقد ساخت و به این نهاد اجازه بازرسی کلیه فعالیتها و تشکیلات هسته‌ای قزاق داده شد^۶ تا اطمینان حاصل شود که تنها به منظور صلح‌جویانه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.^۷ اگرچه تسلیحات اتمی که در آن زمان در قلمروی قزاقستان باقی بودند؛ از این قاعده مستثنی

1. Baykonur

۲. روسیه اعلام نموده که تصمیم به ایجاد ۳۰ پایگاه نظامی در قلمروی شوروی سابق دارد، و در صدد است با هریک از کشورهای CIS به‌طور دوجانبه وارد مذاکره شود. در ۱۴ آوریل ۱۹۹۴، وزرای دفاع کشورهای عضو CIS که شامل تمام جمهوری‌های شوروی سابق به‌استثنای سه جمهوری بالتیک می‌شود (پس از عضویت آذربایجان در سپتامبر ۱۹۹۳، گرجستان در مارس ۱۹۹۴، و مالداوی در آوریل ۱۹۹۴)، قراردادی را نحت عنوان «بیانیه امنیت همکاری» به امضا رسانیدند و اهداف مشترک خود را برای همکاری‌های امنیتی و نظامی روشن کردند. در سال ۱۹۹۴ طی چهار دور مذاکرات شورای وزرای دفاع CIS بیش از بیست تصمیم در مورد جنبه‌های خاص همکاری نظامی گرفتند. موضوعات مورد بحث عبارت‌اند از: موقعیت پرسنل نظامی برخی از ممالک CIS که در سایر کشورهای عضو این نهاد مشغول خدمتند، هماهنگی در اداره مدارس نظامی، ارسال قطعات بدکی برای تجهیزات نظامی، رسیدگی به مشکلات مالی ناشی از فعالیتهای مشترک مربوط به امور نظامی و غیره. ر.ک. به:

Vladimir Baranovsky, «Russia and Its Neighbourhood: Conflict Developments and Settlement Efforts», *SIPRI Yearbook 1995: Armaments, Disarmaments and International Security*. Oxford: Oxford University Press, 1995: 260.

3. Eurasian Union

۴. ر.ک. به:

Shirin Akiner. «Soviet Military Legacy in Kazakhstan», *Jane's Intelligence Review*. December (1994): 552.

5. Safeguards Agreement

6. IAEA. «Kazakhstan Signs IAEA Safeguards Agreement», *IAEA Press Release*, 27 July 1994, PR 94-30.

۷. در دسامبر ۱۹۹۳، پارلمان قزاقستان معاهده NPT را به تصویب رساند، و در ۱۴ فوریه ۱۹۹۴ به‌طور رسمی به‌عنوان یکصد و شصت و دومین کشور به عضویت این نهاد درآمد. ر.ک. به:

U.S. ACDA. «Announcement of Kazakhstan's Accession to the NPT», *ACDA Press Release*. 1 March 1994, p.31.

شدند. دلیل عمده این بود که قزاقها موافقت کرده بودند این سلاحها را به روسیه بازگردانند، و فدراسیون روسیه به عنوان کشور اتمی عضو معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی ناگزیر نیست که به بازرسان این آژانس اجازه بازدید از تشکیلات و یا تسلیحات اتمی خود را بدهد. حتی قبل از به مورد اجرا درآمدن این قرارداد نظارت، نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به طور غیررسمی شماری از تشکیلات و مراکز اتمی قزاقستان را مورد بازدید قرار دادند. اگرچه کاهش هفت‌ساله مورد نظر معاهده استارت - یک قرار نبود که تا دسامبر ۱۹۹۴ آغاز شود، ولی در طی این سال روسیه و آمریکا اقدام به کاهش نیروی استراتژیک خود نمودند. امر از کار انداختن و انتقال سلاحهای استراتژیک از بیلوروس، قزاقستان و اوکراین بنابر تعهدهای غیراتمی شدن آنان زودتر از موعد تعیین شده آغاز گردید. تا اواخر ۱۹۹۴، قزاقستان ۴۴ فروند از ۱۰۴ موشکهای بالستیکی قاره‌پیمای سنگین اس.اس-۱۸ خود را از کار انداخته و ۱۲ فروند از موشکها را برای انهدام به روسیه منتقل ساخته بود. در ۲۸ مارس ۱۹۹۴، نورسلطان نظربایف رئیس‌جمهور قزاقستان و بوریس یلتسین همتای روسی وی به توافق رسیدند که تمام کلاههای هسته‌ای در قلمروی قزاقی ظرف چهارده ماه به روسیه انتقال داده شود، و همه سیلوهای اس.اس-۱۸ (مقر پرتاب موشکها) در ظرف ۳ سال از کار انداخته شوند.^۱ با این وجود دولت آلمانا تصمیم به تسریع روند غیراتمی شدن گرفت و بالاخره در گزارشی به دبیرکل سازمان ملل پطرس‌غالی، نظربایف انتقال کلاهکهای موشکهای بالستیکی قاره‌پیما به روسیه، و انهدام همه کلاههای ذخیره شده در زیرزمین در مرکز آزمایشهای اتمی در سمی‌پالانتیسک^۲ را در آوریل ۱۹۹۵ اعلام نمود.^۳

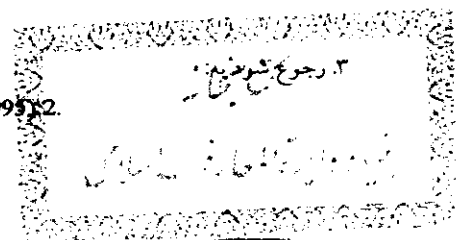
از جمله نگرانی‌های ابراز شده در خصوص این تسلیحات آن بود که اگرچه بیشتر کلاهکهای اتمی مستقر در این سه جمهوری بر ضد هدفهایی تعیین شده در قلمرو آمریکا بر روی سیستمهای پرتاب موشک قرار گرفته‌اند، و برای طراحان اسلحه دشوار بود تا آنها را برای هدف‌گیری‌های متفاوتی برنامه‌ریزی کنند اما یک نکته را نباید نادیده گرفت مواد اتمی موجود در این کلاهکها را می‌شد برای ساخت تسلیحات اتمی جدید (شاید با طرحهای ساده‌تر) که برای

۱. ر.ک. به:

James Goodby, and et al. «Nuclear Arms Control», *SIPRI Yearbook 1995.*, op.cit., p.640.

2. Semipalantisk

«Kazakhstan is Nuclear Free», *Jane's Defense Weekly*, 29 July (1995):2.



نیازهای امنیتی دولت قزاق مناسب‌تر بودند و مورد استفاده قرار داد. انجام این کار در ظرف مدت چند هفته و یا چند ماه امکان‌پذیر بود.^۱ از این گذشته، قزاقستان دارای ذخایر اورانیوم غنی شده لازم برای تولید تسلیحات اتمی بود. به دلیل وجود این نگرانی‌ها، دولت واشنگتن تصمیم گرفت تا طی پروژه یاقوت اقدام به انتقال بخش عظیمی از این مواد اتمی از قزاقستان به قلمروی آمریکا نماید. چهار هواپیمای نظامی سی-۵ کهکشانی^۲ که به طور سری به آسیای مرکزی فرستاده شده بودند، از اوست^۳ تا پایگاه هوایی دور^۴ در ایالت دلاور^۵ بدون توقف با سوخت‌گیری در هوا در طول مسیر پروازشان حرکت کرده، و ۶۰۰ کیلوگرم اورانیوم بسیار غنی شده را به خاک آمریکا رسانیدند.^۶ دو هواپیما برای حمل این مواد اتمی، یکی برای حمل پرسنل و تجهیزات لازم برای عملیات انتقال، و دیگری به عنوان یدک مورد استفاده قرار گرفته بودند. هزینه این پروژه حدود ۳ میلیون دلار بود، و بخش عمده آن از محل اعتبار بودجه وزارت دفاع آمریکا تأمین گردید. این مبلغ میلیونها دلاری را که بابت این مواد اتمی در اختیار دولت آلماتا قرار داده شد، شامل نمی‌شد.^۷

علل گزینش راه غیر اتمی شدن

از دلایل قبول سناریوی سوم توسط قزاقها باید به چهار عامل اشاره نمود: ۱. کمکهای اقتصادی مشروط آمریکایی به قزاقستان؛ ۲. منابع اورانیوم غنی در قلمرو قزاقستان و نیاز به صادرات آنها برای دستیابی به ارز خارجی مورد نیاز؛ ۳. وابستگی به روسیه برای تأمین سوخت لازم و بازسازی سوخت مصرف‌شده در نیروگاههای اتمی قزاقستان، و نیز کمبود نیروی متخصص بومی برای فعال نگهداشتن یک برنامه تسلیحات اتمی در قزاقستان؛ و بالاخره ۴. فشار افکار عمومی برای متوقف ساختن آزمایشهای اتمی. در اینجا، به طور اجمالی به بررسی

۱. رجوع شود به:

Steven Miller. *Nuclear Proliferation Risks and the Former Soviet Union*, Washington, DC: Woodrow Wilson International Center for Scholars, Working Paper No.6, April 1993, pp.5-6.

2. C-5 Galaxy

3. Ust

4. Dover

5. Delaware

۶. رجوع شود به:

John A. Tripak. «Project Sapphire. *Air Force Magazine*, August (1995): 50-53.

۷. ر.ک.به:

U.S. Defense Department. *Background Briefing Subject Project Sapphire*, Washington D.C: Federal News Service, 23 November 1994.

این چهار عامل تأثیرگذارنده بر سیاست دولت قزاقی در قبال تسلیحات، برنامه‌ها و مراکز اتمی این کشور می‌پردازیم.

آمادگی دولت آمریکا برای فراهم کردن کمکهای مالی تحت برنامه «نان- لوگار»^۱ برای غیراتمی نمودن جمهوری های شوروی سابق نقش مهمی را در متقاعد ساختن دولت قزاقستان ایفا کرد. برنامه کمکهای امنیتی «نان - لوگار» در سال ۱۹۹۱، پس از تصویب لایحه پیشنهادی سناتور سام نان^۲ (دموکرات، ایالت جورجیا) و چارلز لوگار^۳ (محافظه کار، ایالت ایندیانا) توسط کنگره آمریکا آغاز شد؛ و به وزارت دفاع این کشور اختیار می‌دهد تا مبلغ حداکثر ۴۰۰ میلیون دلار را از بودجه سال ۱۹۹۲ این وزارتخانه به کمک به انهدام تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و سایر انواع سلاحهای باقی مانده از زرادخانه شوروی سابق، و نیز کمک به ایجاد موانع گسترش اینگونه سلاحها به جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده اختصاص دهد. در هر سال مالی در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۲ کنگره مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار برای این برنامه تصویب کرده، و حدود آن را افزایش داده است. «برنامه تعاون برای کاهش تهدید»^۴ در حال حاضر پروژه‌های متعددی را دربر می‌گیرد از جمله تبدیل صنایع نظامی به غیرنظامی، برقراری ارتباط بین نیروهای مسلح و بازسازی محیط زیست (چنانچه جهت غیرنظامی نمودن یا تبدیل صنایع نظامی به غیرنظامی ضرورت داشته باشد)، ایجاد مسکن برای نیروهای نظامی سابق که به امر انهدام و یا از کار انداختن تسلیحات اتمی استراتژیک مشغولند. در اواخر فوریه ۱۹۹۵، وزارت دفاع آمریکا به کنگره اطلاع داد که از ۱/۸۱ میلیارد دلار پیشنهاد شده برای تعهدها، مبلغ ۴۹۷/۹ میلیون دلار از طریق امضای قرارداد متعهد شده است، و تنها مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار به مصرف رسیده است.^۵ در دسامبر ۱۹۹۳، دو دولت آمریکا و قزاقستان قراردادی منعقد کردند تا بر طبق آن ۷۰ میلیون دلار برای غیرفعال کردن مراکز پرتاب ۱۰۴ موشک اس.اس-۱۸ در اختیار آلماتا قرار بگیرد.^۶ کل مبلغ پیشنهاد شده برای قزاقستان در برنامه نان - لوگار معادل حدود ۱۳۴ میلیون دلار می‌باشد.^۷ کمکهای اقتصادی آمریکا به قزاقستان نیز مشروط به پذیرش معاهده منع گسترش تسلیحات

1. Nunn-Lugar

2. Sam Nunn

3. Charles Lugar

4. Cooperative Threat Reduction Program

5. «Factfile-U.S. Security Assistance to the Former Soviet Union», *Arms Control Today*, 25, 3, April (1995): 24-25; and Sherman W. Garnnett. «Ukraine's Decision to Join the NPT», *Arms Control Today*, 25, 1, January- February (1995): 7-12.

6. Dunbar Lockwood. «New Data on the Strategic Arsenal of the Former Soviet Union», *Jane's Intelligence Review*, 7,6 (1995): 248.

7. «Factfile- U.S.Security...», *op.cit.*, p.25.

اتمی به‌عنوان قدرتی غیراتمی بود. موضع دولت واشنگتن مشخص شده بود. تا زمانی که آلمان‌ها معاهده‌های کنترل تسلیحات اتمی را نمی‌پذیرفت، نمی‌توانست توقع دریافت کمک سیاسی و یا اقتصادی از آمریکا را داشته باشد.

عامل دوم، ذخایر بسیار غنی اورانیوم خام در قزاقستان می‌باشد. با توجه به اینکه این ذخایر در توسعه صنایع انرژی هسته‌ای مورد استفاده قرار داده می‌شود، دستیابی به بازار بین‌المللی اورانیوم برای آلمان‌ها مطلوب است. لکن بدون همکاری جامعه بین‌المللی، قزاقستان قادر نبود که این ماده طبیعی را به مقادیر زیاد صادر کند. جامعه جهانی هم تمایل نداشت با قزاقستان اتمی همکاری نزدیک داشته باشد.^۱ در اواسط دهه ۱۹۵۰، استخراج اورانیوم در شوروی از قزاقستان تا قرقیزستان و به‌طور عمده در منطقه زامبول^۲ نزدیک مرز قرقیزی، و در شبه‌جزیره مانگیشلاک^۳ در غرب دور شروع شد. معادن اورانیوم قزاقستان، همراه با مجتمع‌های استخراج اورانیوم ازبکستان، هسته اصلی صنایع تولید این ماده استرژیک شوروی را تشکیل می‌دادند. در ضمن، قزاقستان محل اصلی فعالیت‌های استخراج و فلزسازی بود. اکثر این فعالیتها در کارخانه فلزسازی آلبینسکی^۴ در اُست کامنوگورسک در شمال شرقی قزاقستان متمرکز بودند. این کارخانه، (که قبل از سال ۱۹۶۷ به نام «صندوق پستی شماره ۱۰»^۵ خوانده می‌شد) در سال ۱۹۴۹ تأسیس شده بود. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، اُست کامنوگورسک سرعت ترقی کرد، و به یکی از ممتازترین «شهرهای هسته‌ای» با سطح زندگی بالا و امکانات رفاهی فراوان تبدیل شد. به دلایل اکولوژیکی و آلودگی محیط‌زیستی، این امکان در حال حاضر یکی از مصیبت‌زده‌ترین شهرهای دنیا به‌شمار می‌آید.^۶ قزاقستان دارای ۱،۱۶۸،۰۰۰ تن اورانیوم است و تقریباً ۷۲ درصد از این منابع غنی را می‌توان با هزینه کمتر از ۸۰ دلار برای هر کیلوگرم آن تولید کرد. در شش منطقه عمده این منابع اورانیوم متمرکز شده‌اند.^۷ استخراج و تولید اورانیوم در حال

۱. رجوع شود به:

Murat Laumulin. «Viewpoint: Nuclear Politics and the Future Security of kazakhstan», *The Nonproliferation Review*. 1,2, Winter (1994): 61-65.

2. Dzhambul

3. Mangyshlak

4. Ulbinsky

5. Mailbox 10

۶. ر.ک. به:

Oleg Bukharin and William Potter. «Kazakhstan- A Nuclear Profile», *Jane's Intelligence Review*, April (1994): 183-178.

۷. این شش منطقه عبارت‌اند از: کوی‌چتارسک، Kokchetavsk، پریبالخاش، Pribalkhash، پریکاسپسک، Pricaspiysk.

حاضر در چهار منطقه کوک چتاوسک، پریکاسپسک، چو- ساریسک، و سیردریا و به منظور صادرات به بازارهای خارجی صورت می‌گیرد. از سال ۱۹۹۱ قزاقستان به فعالیتهای بازاریابی اقدام کرده، و در سال ۱۹۹۲ حدود ۲۵۰۰ تن صادر نمود. بخش عمده این صادرات به نیروگاههای مولد نیرو در اروپا و آمریکا بوده است. البته به دو دلیل سیاست محدودکننده واردات اورانوم، و رقابت شدید بین تولیدکنندگان اورانوم در سطح جهانی انتظار می‌رود که صادرات بین کشور به دو تا سه هزار تن در سال تنزل کند.^۱

عامل سوم وابستگی روسیه برای فعال نگه داشتن برنامه نظامی اتمی قزاقستان و حتی برنامه تولید انرژی هسته‌ای قزاقها می‌باشد. سازمان انرژی اتمی قزاقستان که در ماه مه ۱۹۹۲ به وجود آمد و نهاد تنظیم‌کننده مسائل اتمی روسیه (گوساتوم‌ناذور)^۲ در مورد دستورعملهای مشترک و تداوم نظارت روسها بر تشکیلات اتمی قزاقستان موافقنامه‌ای را در ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۳ امضا نمودند. نیروگاه بی‌ان - ۳۵۰^۳ در آکتائو^۴ تقریباً ۷/۰ درصد از الکتریسیته قزاقستان را تأمین می‌کند. به دلیل اینکه این نیروگاه تنها تولیدکننده آب شیرین و منبعی مهم برای الکتریسیته در شبه جزیره مانگیشلاک است، دارای اهمیت بسیاری می‌باشد. البته این منطقه، به عنوان تولیدکننده عمده نفت، اورانوم، تولیدات شیمیایی، کود شیمیایی، برای اقتصاد قزاقستان مهم است. سازمان انرژی اتمی قزاقستان مجوز ادامه کار نیروگاه آکتائو را تا سال ۲۰۰۳ صادر نموده او در آن زمان باید نیروگاه دیگر برای بهره‌برداری آماده گردد. حداقل پنج مکان مختلف از جمله اوست - گامنوگورسک و سمی‌پالانتیسک برای ساخت نیروگاه جدید در نظر گرفته شده‌اند. روسیه و فرانسه آمادگی خود را برای همکاری در این زمینه اعلام کرده‌اند. در هر حال، نیروگاه آکتائو با مشکلات جدی کمبود کارشناسان متخصص بومی و ذخیره سوخت روبه‌روست. سوخت مورد نیاز را باید روسیه تأمین کند و سوخت مصرف‌شده از نیروگاه برای بازسازی به روسیه بازگردانیده می‌شود. به دلیل عدم توانایی پرداخت هفت میلیارد دلار بدهی گذشته نیروگاه، روسیه تمایل ندارد که سوخت لازم را در اختیار آن قرار دهد. از این گذشته، بسیاری از کارکنان ماهر و متخصص که اکثراً روسی و اوکراینی بوده‌اند، محل کار خود را در

چو- ساریسک Chu-Saryisk، سیردریا Syrdarya، و ایلیسک Illysk

1. Oleg Bukharin and William Potter. «Kazakhstan...», *op.cit.*, p.186.

2. Gosatomnadzor

3. BN-350

4. Aktau

آکتائو به دلیل پایین بودن حقوق و دستمزدها و نیز امتناع دولت آلمانا به قبول تابعیت مضاعف کارکنان غیرقزاق و مشغول به کار در صنایع مختلف، منطقه مانگیشلاک را ترک کرده‌اند.^۱

عامل چهارم مربوط به افکار عمومی نسبت به برنامه‌های اتمی و بخصوص آزمایشهای اتمی است. اگرچه، طرفداران سرمایه‌گذاری در بخش انرژی اتمی بر جنبه‌های مثبت آن (کاهش آلودگی هوا، عدم وابستگی به نفت به‌عنوان منبع انرژی، و منافع اقتصادی حاصله از صادرات الکترونیسته به سایر جمهوری‌ها) تأکید دارند، ولی عموم مردم خواهان گسترش چشمگیر برنامه‌های اتمی - حتی برای مقاصد صلح‌جویانه - نیستند.^۲ سمی پالاتینسک (محل اولین انفجار بمب اتمی در سال ۱۹۴۹ و اولین بمب هیدروژنی شوروی در سال ۱۹۵۳ و ۴۶۷ آزمایش اتمی دیگر) یادآور تجربه تلخ و ناگوار اتمی بودن قزاقستان است. بر اثر چهارده سال آزمایشهای اتمسفری بین سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۶۳، ۲۵ انفجار هسته‌ای در سطح زمین، ۸ آزمایش در ارتفاع بالا، و ۹۱ آزمایش هوایی این منطقه و بسیاری دیگر از مناطق مسکونی قزاقی بر اثر مواد رادیو اکتیویته مرگ‌زا آلوده گردیده‌اند. حدود ۱۰۰ مکان ذخیره برای زباله‌های اتمی رادیو اکتیویته با جمعی معادل ۲۲۰ میلیون تن در این کشور وجود دارد. نگرانی‌هایی در مورد ایمنی این مکانها، آلودگی خاک ناشی از صدها آزمایش اتمی و تأثیر آنها بر سلامت مردم بیان شده است. این آزمایشها در طی ۴۰ سال سبب آلودگی شدید محیط پیرامونی این مرکز ۱۸ هزار کیلومترمربعی شده، و به بیماری‌های سرطان، ناراحتی‌های عصبی - روانی در بین ساکنان مناطق مجاور در سمی پالاتینسک و کاپوستین‌یار^۳ در قزاقستان غربی (جایی که ۱۰ آزمایش اتمی صورت گرفته) منجر گردیده است. با اعلام استقلال قزاقستان در اکتبر ۱۹۹۰، زمان ممنوعیت آزمایشهای هسته‌ای در قلمروی این کشور نیز صادر شد و در ۲۹ اوت ۱۹۹۱ این مکان آزمایشها در سمی پالاتینسک پس از گذشت ۴۲ سال از برگزاری اولین آزمایش اتمی شوروی، بسته شد.^۴

1. Oleg Bukharin and William Potter. «Kazakhstan...», *op.cit.*, p.187.

2. Murat Laumulin. «Viewpont: Nuclear Politics», *op.cit.*, p.62.

3. Capustin Yar

۴. رجوع شود به:

Umirzak Sultangazin. «Kazakhstan's Nuclear Problems», *Peace and the Sciences*, June (1994):

34-37; Murat Laumulin. «Viewpont: Nuclear Politics...», *op.cit.*, and Oleg Bukharin and William

Potter. «Kazakstan...», *op.cit.*, p.183.

نتیجه‌گیری

اگرچه معاهده‌ها و قراردادهای نقض‌شدنی هستند و روند غیراتمی شدن قابل‌متوقف ساختن است و می‌توان برنامه تولید تسلیحات را از آغاز کرد، ولی هر نوع اقدامی در جهت غیراتمی شدن کشورها و کنترل تسلیحات انهدام جمعی باید مورد تشویق قرار گیرد. تمام دولت‌هایی که تصمیم به غیراتمی شدن گرفته‌اند دریافته‌اند که استراتژی‌های امنیتی دیگری در پیش روی دارند که مؤثرتر از اتمی بودن است. ترتیبات امنیتی جدید از این مزیت برخوردارند که بدون نیاز به رویارویی با دولت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی مخالف با روند اتمی شدن، می‌توان تهدیدهای امنیت ملی را برطرف نمود. سیاست ضداتمی قزاقستان به اهداف کنترل و کاهش تسلیحات اتمی موجود در زرادخانه‌های قدرتهای بزرگ اتمی (با میسر ساختن اجرای معاهده استارت یک) کمک نموده است. تا زمانی که سه جمهوری با معاهده استارت موافقت نکرده بودند، سنای آمریکا تمایل نداشت که آن را به تصویب برساند، در نتیجه واشنگتن و مسکو به کاهش زرادخانه موشک‌های اتمی با برد بلند خود اقدام نمی‌کردند. در ۳ ژانویه ۱۹۹۳، روسیه و آمریکا معاهده استارت - ۲ را به امضا رسانیدند.^۱ تحت این موافقتنامه، تمام موشک‌های بالستیکی استراتژیک چندکلاهکی نابود شده، و هرکدام از دو کشور تعداد نیروهای اتمی استراتژیک خود را محدود به ۳۵۰۰-۳۰۰۰ کلاهک مستقر شده می‌نمایند. این سقف تقریباً یک سوم تسلیحات موجود در زرادخانه‌های اتمی آمریکا و شوروی قبل از امضای قرارداد استارت - یک را شامل می‌شود. پیش‌شرط معاهده استارت - دو، به مورد اجرا گذاردن معاهده استارت - یک بود.^۲ اتمی بودن قزاقستان ممکن بود مانع از اجرای معاهده‌های کنترل و تقلیل جنگ‌افزایی هسته‌ای گردد. تصمیم دولت آلمان‌آتا به انتقال اینگونه سلاحها به روسیه فرصت مغتنمی را به وجود آورده تا همه کشورهای منطقه (از جمله روسیه) نه تنها در جهت نابودسازی تسلیحات انهدام جمعی گام بردارند، بلکه با تشویق روند غیرنظامی شدن به ایجاد منطقه‌ای که

۱. به دلیل اینکه معاهده استارت - ۲ معاهده‌ای دوجانبه بین روسیه و آمریکا می‌باشد، نیازی به مشارکت قزاقستان ندارد. ر.ک. به: «Get Kazakhstan Aboard», *International Herald Tribune*, 19 May 1992, p.8.

۲. برخی از صاحب‌نظران تأکید می‌کنند که بر طبق معاهده استارت دو بیشتر تسلیحات اتمی استراتژیک روسیه در زیردربایی‌های این کشور مستقر خواهند شد و در نتیجه قلمروی خارج از مرزهای روسیه در منطقه عاری از این جنگ‌افزارها خواهند بود، ر.ک. به:

Joshua Handler, «The Future of Russian Strategic Forces», *Jane's Intelligence Review*, 7,4 (1995):162.

در آن حفظ ثبات و امنیت از طریق افزایش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تضمین می‌شود، کمک نمایند.

به‌منظور پیشبرد امنیت و ایجاد حسن اعتماد بین کشورهای منطقه می‌توان از «اقدامات جلب اعتماد و امنیت»^۱ استفاده کرد. بنابه سند مربوط به اینگونه اقدامات در قانون نهایی هلسینکی^۲ در ۱۹۷۵ اقدام جلب اعتماد به اقدامی گویند که کشورها به‌عمل می‌آورند تا به کاهش خطر و تهدید منازعات مسلحانه و یا سوء تفاهم و محاسبه‌های غلط که موجب نگرانی نسبت به آینده می‌شوند، کمک نمایند. اقدامات مفیدی که برای جلب اعتماد متقابل در زمینه کاهش تهدید اتمی در منطقه باید در نظر گرفته شوند، عبارت‌اند از:

۱. تبادل اطلاعات دقیق و قابل اعتماد درباره تعداد تسلیحات اتمی و ابزار به‌کارگیری آنها در جنگ (مانند سیستم‌های پرتاب‌کننده موشک)؛ و نیز آزمایش‌های هسته‌ای؛
۲. ممانعت از هرگونه اقدامی که زمان بین تصمیم‌گیری در مورد لزوم استفاده از جنگ‌افزارهای هسته‌ای، و اجرای این تصمیم را کاهش می‌دهد (مانند نگهداری کلاهک‌های اتمی در نزدیکی مقر پرتاب، و یا در مجاورت بمب‌افکنها و سایر ابزار کاربرد آنها، و یا اخذ سیاست «پرتاب به محض دریافت خبر» حمله طرف رقیب)^۳؛
۳. حداکثر محافظت فیزیکی از سلاح‌های هسته‌ای تا از جنگ‌های اتمی تصادفی، و یا حمله تروریستها در حین نقل و انتقال سلاحها و مواد اتمی از نقطه‌ای به نقطه دیگر جلوگیری شود؛
۴. به‌کارگیری سیستم حفاظتی قابل اعتمادی که مانع از این شود که تسلیحات و مواد اتمی به دست گروهها و افراد غیرمسئول در زمان بروز بحران و هرج و مرج‌های سیاسی - اقتصادی داخلی، و نزول بلاهای طبیعی بیفتند؛
۵. عدم استفاده از توانایی نظامی هسته‌ای به‌عنوان ابزار سیاست خارجی برای تحت فشار سیاسی قراردادن قدرتهای غیراتمی. در واقع ممنوعیت تهدید و باجگیری هسته‌ای؛
۶. افزایش همکاری بین قدرتهای اتمی و غیراتمی در زمینه استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای؛

1. Confidence- and Security- Building Measures (CSBM)s

2. Helsinki Final Act

3. Launch on Warning

۷. تبعیض قائل شدن بین کشورهایی که عضو معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی هستند؛ و متقاعد ساختن تمام دولتهایی که به دلایل گوناگون تاکنون از الحاق به این قرارداد بین‌المللی امتناع ورزیده‌اند، که هرچه سریعتر این معاهده را امضا کنند و امکانات لازم برای بازرسی از تشکیلات اتمی خود را برای نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فراهم سازند؛

۸. پشتیبانی از معاهده منع کامل آزمایشهای اتمی از آنجایی حائز اهمیت است که فرانسه و چین هنوز به چنین آزمایشهایی مبادرت می‌ورزند. با توجه به تجربه ناگوار صدها آزمایش اتمی در خاک قزاقستان و تأثیر آنها بر آلودگی محیط و به مخاطره انداختن مردم بومی، جلب حمایت مردم از این اقدام کار سهلی خواهد بود.

۹. دادن آگاهی قبل به همسایگان در مورد تمرینها و مانورهای نظامی، و

حرکت سپاهیان؛

۱۰. ایجاد منطقه عاری از تسلیحات اتمی با تضمین قدرتهای هسته‌ای (بویژه آمریکا، روسیه و چین) و تشکیل جلسه‌های لازم برای مذاکره جدی در مورد ایجاد چنین منطقه‌ای، همراه با اعلام رسمی بیانیه‌ای مشترک به امضای تمام کشورهای منطقه‌ای. مسلم است که کسب توافق قدرتهای بزرگ اتمی برای تضمین امنیت این منطقه، و احترام به وضعیت غیراتمی آسیای مرکزی حائز اهمیت است.